

برابری سیاسی و رابطه آن با مشروعیت دولت

«تحلیل ثانویه نتایج یک پژوهش درسه شهر تهران، مشهد و یزد»^۱

علی یوسفی^۲

چکیده: نتایج تحقیق تجربی در سه شهر تهران، مشهد و یزد نشان می‌دهد، اولاً احساس برابری سیاسی شهروندان در سه بعد توزیعی، قانونی و فرصتی، منفی و در بعد مشارکتی مثبت است و احساس برابری سیاسی در کل نیز منفی است. ثانیاً رابطه بالا و مثبتی بین احساس برابری سیاسی و عقیده به مشروعیت دولت وجود دارد. رابطه مذکور متضمن این معناست که پذیرش و تایید مشروعیت دولت، آن‌گاه تحقق پیدا می‌کند که حکومت و زمامداران آن به اصول برابری احترام بگذارند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد، ترمیم مشروعیت دولت در ابعاد چهارگانه یعنی تعلق سیاسی، تمهد سیاسی، تایید حقانیت و نفع عمومی، به ترتیب مستلزم ترمیم و تقویت احساس برابری مشارکتی، برابری توزیعی، برابری فرصتی و برابری قانونی است.

کلیدواژه‌ها: برابری سیاسی، مشروعیت سیاسی

مقدمه

در فلسفه سیاسی «برابری»، هم به‌عنوان یک مفهوم فلسفی مورد تامل قرار گرفته و هم به‌عنوان یک مفهوم و فضیلت اخلاقی، که می‌تواند مبنای سازمان‌دهی جامعه قرار بگیرد. اگرچه سابقه توجه فلسفی به مفهوم برابری (برابری به‌عنوان معیار عدالت)، خیلی طولانی تر از سابقه توجه سیاسی (برابری به‌عنوان یک اصل سازماندهی اجتماعی) است، لکن در فلسفه جدید سیاسی تاکید می‌شود، چنانچه جامعه بر اساس برابری، سازمان داده شود، «انرژی و استعداد انسانی بسیار زیادی برای دستیابی به اهداف نظام حکومتی آزاد می‌شود،

۱. تحقیق مذکور در سال ۱۳۷۹ با عنوان «بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، توسط نگارنده و با حمایت مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجام گرفته است.

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی

نفوذ نظام حکومتی در جامعه افزایش می‌یابد و... احساس هویت، تکلیف مدنی و همگرایی در جامعه تقویت می‌گردد» (کلمن، ۱۳۸۰: ۱۲۶). به تعبیر ارسطو، «هیچ چیز بیش از نابرابری، نمی‌تواند دوستی و مشارکت در دولت را از بین ببرد» (همپتون، ۱۳۸۰: ۲۶۷).

بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی، برابری و انصاف را از معیارهای مشروعیت‌بخش نظام سیاسی تلقی می‌کنند و نظام‌های سیاسی مشروع را از غیر مشروع، با تاکید بر شاخص‌های «انصاف توزیعی»^۱ و «انصاف رویه‌ای»^۲ از یکدیگر متمایز می‌سازند (Weatherford, 1992). چنان‌که دیوید هلد معتقد است: «آن نظام سیاسی که عمیقاً گرفتار تولید و بازتولید نابرابری در قدرت، ثروت، درآمد و فرصت باشد، به سختی می‌تواند از دیدگاه کسانی غیر از آن‌ها که مستقیماً از نظام منتفع می‌شوند، از مشروعیت مستمر برخوردار گردد» (هلد، ۱۳۶۹: ۴۵۰). مطالعات متعدد نیز نشان می‌دهد، «ارزیابی‌ها و رفتارهای سیاسی، همچون رأی دادن، وفاداری به تصمیمات، قوانین و قواعدی که توسط نظام قانونی وضع گردیده، همگی تحت تأثیر قضاوت شهروندان در مورد منصفانه بودن فرایندهای سیاسی است» (Tyler, 1987: 45).

هدف مقاله حاضر، که داده‌های آن برگرفته از یک تحقیق پیمایشی در سه شهر تهران، مشهد و یزد است، این است تا با نگاهی مساله‌گرا، اولاً تصویری از نتایج سنجش «احساس برابری سیاسی»^۳ را در سه شهر مذکور ارائه دهد. در ثانی، رابطه این متغیر را با «عقیده به مشروعیت سیاسی»^۴ دولت در این شهرها، مورد آزمون قرار دهد.

بدین جهت، ابتدا تعریف مفهومی برابری و مشروعیت سیاسی و رابطه این دو مفهوم با یکدیگر معرفی می‌گردد. سپس با تاکید بر روش و نتایج سنجش برابری سیاسی، رابطه آن با مشروعیت سیاسی دولت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۵

1. Distributive fairness

2. Procedural fairness

3. A sense of political quality

4. A belief in political legitimacy

۵. چگونگی و نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت در مقاله جداگانه‌ای از نگارنده با عنوان «تاملی مساله‌گرا در نتایج سنجش مشروعیت سیاسی دولت در سه شهر تهران، مشهد و یزد» به تفصیل معرفی گردیده که در فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد در دست چاپ است.

مفهوم برابری سیاسی

در فلسفه سیاسی، برابری هم به دلیل پیامدهای سیاسی اش و هم به اقتضای عدالت، همواره مورد توجه بوده است. سوال اساسی این است که بنا بر فرض، دولت چه چیزی را باید برابر کند؟ در نظریه‌های مساوات‌طلبانه مدرن دو پاسخ عمده برای این سوال مطرح گردیده که عبارتند از: «برابری رفاه و برابری منابع یا امکانات» (همان: ۲۶۸). در اینجا «رفاه» به معنای «ارضاء شدن ترجیحات و نیازها» و «منابع» به معنای «منابع مادی، مثل درآمد، ثروت، پس‌انداز و منابع درونی یا ظرفیت‌های ذاتی، مثل استعداد، قابلیت و شایستگی است» (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱: ۶۰-۵۹). از سویی ابهامات مفهومی اصطلاح رفاه و منابع و محدودیت‌های عملی برای تحقق برابری رفاه و منابع، باعث گردیده مساوات‌طلبان توجه خود را بیشتر معطوف به «برابری فرصت دسترسی به رفاه و منابع» نمایند (همان).

با قبول این فرض که در تعریف مفهومی برابری، اتفاق نظر کافی وجود ندارد و صرف‌نظر از مناقشات مفهومی مربوط، در مقاله حاضر، «برابری سیاسی» بر مبنای «نظریه برابری سیاسی» جیمز کلمن (۱۹۹۰) تعریف گردیده که متضمن عناصر مورد تاکید فلسفه جدید سیاسی نیز هست. کلمن با تاکید بر این معنا که برابری از عناصر و لوازم توسعه سیاسی است، سه جزء اساسی برای مفهوم برابری قائل می‌شود: «شهروندی ملی (عام)، نظم حقوقی کلیت گرا (عام گرا) و هنجارهای موفقیت» (کلمن، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

«شهروندی» به‌طور ضمنی به این معناست که برابری اساسی انسانی از عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی ناشی می‌شود و در حقوق رسمی برابرتامی شهروندان تجسم می‌یابد.^۱ برجستگی جنبه مساوات‌طلبانه شهروندی دال بر این حقیقت است که

۱. مارشال (۱۹۹۲) حقوق شهروندی را به دسته حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌کند: حقوق مدنی ناظر است بر آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اموال (و بنا بر این دلالت دارد بر برابری در مقابل قانون) و نیز آزادی تجمع، بیان و اندیشه. حقوق سیاسی ناظر است بر حق مشارکت در روندهای سیاسی (حق رای و نامزد شدن در انتخابات) و حقوق اجتماعی ناظر است بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی که به‌عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد (فیتزپاتریک، ۱۳۸۱: ۴-۱۲۳).

«دولت-ملت» و نه فقط یک بخش ممتاز از جامعه، در حکم چارچوب مرجع است و شهروندان هم با کارویژه‌های درونداد (مشارکت) و هم با کارویژه‌های برون‌داد (توزیع) حکومت مرتبط‌اند.

«نظم حقوقی کلیت گرا (عام گرا)» به معنای برتری هنجارهای کل‌گرا بر هنجارهای جزء‌گرا (خاص گرا) در حوزه روابط حکومت با شهروندان است که برای تحقق حقوق برابر شهروندی به شرح پیش گفته، امری حائز اهمیت است. این حقوق، مساوات در برابر قانون (برابری در حقوق یا امتیازات) را امری لازم می‌شمارد. این نکته نه تنها به مفهوم رویه رفتاری یکسان در مقام اجرای قانون و قضاوت بوده، بلکه بیانگر حق برابر دفاع و حمایت از تمامی دیگر حقوق‌هاست.

«هنجارموفقیت» به معنای اولویت هنجارهای اکتسابی بر هنجارهای انتسابی در اعطای نقش‌های سیاسی و دیوانی است. هنجارهای اکتسابی در کنار حق عمومی شهروندی در خصوص آموزش و پرورش، رعایت اصل برابری در فرصت اولیه را تضمین می‌کند. حق آموزش و پرورش در یک جامعه مدرن حائز اهمیت راهبردی است، زیرا اختصاص نقش‌های فوق‌العاده ارزشی در نظام قشربندی اجتماعی، به‌طور فزاینده‌ای بر اکتساب آموزشی مبتنی است (کلمن، ۱۳۸۰: ۴-۱۲۳).

کلمن معتقد است سه عنصر مذکور، یعنی شهروندی عام، تفوق هنجارهای عام در روابط حکومت با شهروندان و برتری معیارهای اکتسابی در استخدام و اختصاص نقش‌های سیاسی و اداری، اجزاء اصلی حرکت به سوی برابری هستند. شهروندی عام دلالت بر برابری در مطالبات توزیعی و حقوق و تکالیف مشارکتی، عام‌گرایی در روابط حکومت با شهروندان دلالت بر برابری در امتیازات و محرومیت‌های حقوقی و عنصر برتری معیارهای اکتسابی در تخصیص نقش‌ها بر برابری روانی در برخورداری از فرصت‌ها دلالت دارد. بر این مبنا و چنان‌که سو (۱۹۹۰) نیز پیشنهاد می‌کند، مفهوم برابری سیاسی از دیدگاه کلمن را می‌توان شامل چهارنوع برابری دانست: «برابری توزیعی^۱، برابری قانونی^۱، برابری فرصت^۲ و برابری مشارکت^۳» (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۹۶).

1. Distributive Equality

بدین ترتیب، در مقاله حاضر «احساس برابری سیاسی» به معنای «احساس برابری توزیعی، قانونی، فرصتی و مشارکتی شهروندان» در معنای پیش گفته، تلقی شده است. احساس برابری توزیعی متضمن این باور است که نظام سیاسی، حقوق شهروندی را برای همه شهروندان خود تأمین می‌کند. احساس برابری قانونی بدین معناست که شهروندان باور دارند نظام سیاسی همه آنها را در مقابل قانون یکسان می‌شمرد. احساس برابری فرصتی متضمن باور شهروندان به رعایت معیارهای شایستگی در واگذاری نقش‌های اداری و سیاسی است و احساس برابری مشارکتی حاکی از ثمربخشی سیاسی است. یعنی شهروندان باور دارند رأی آنها بر روی تصمیمات حکومتی تأثیرگذار است و حکومت به خواست آنها اهمیت لازم را می‌دهد.

مفهوم مشروعیت سیاسی^۴

در اندیشه سیاسی جدید، «یک حکومت یا دولت» وقتی مشروع^۵ تلقی می‌شود که «حق حکومت کردن^۱» داشته باشد. لکن سؤال اساسی این است که حق حکومت چیست و چگونه تعیین می‌شود؟ از دیدگاه وبری که مبنای تعریف مشروعیت در این مقاله قرار گرفته، حق حکومت به معنای «باور شهروندان به حق حکومت» است. از این دیدگاه «باور ذهنی به اعتبار یک نظم، ایجاد کننده اعتبار آن نظم است.» براین مبنای «حق» به «باور به مناسب بودن نظم موجود» و «باور به حق حکومت» کاهش می‌یابد (Kupper, 1996: 464). از دیدگاه وبر، مشروعیت را باید در اذهان پیروان جستجو نمود نه اذهان رهبران. به

1. Equality of opportunity
2. Equality of opportunity
3. Equality of Participation

۴. سابقه و تعریف مفهومی مشروعیت سیاسی با شرح بیشتر در مقاله جداگانه‌ای از نگارنده به چاپ رسیده است. رجوع شود به: یوسفی علی (۱۳۸۱) «تأملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واریسی مدل نظری مشروعیت»، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور، دانشگاه شاهد، شماره ۳۹: ۱۳۱-۱۱۹. در مقاله حاضر، چکیده آن تعریف درج گردیده است.

5. Legitimate
6. Right to rule

تعبیر وی «اقتدار رهبر فقط و فقط وقتی مشروع می‌شود که پیرو معتقد باشد قدرت او مشروعیت دارد و اگر هم به صورت داوطلبانه فرامین را اطاعت می‌کند، به دلیل این باور است که اطاعت کردن یک وظیفه اخلاقی برای اوست» (Duke, 1978: 46). اگرچه در تعریف مشروعیت سیاسی اختلاف نظر وجود دارد، لکن به پیروی از استرایکر (۱۹۹۴) تعاریف مشروعیت سیاسی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم و سپس تعریف پیشنهادی خود را از آن استنتاج نمود: «مشروعیت به‌عنوان تأیید گرایشی قواعد قدرت، مشروعیت به‌عنوان موافقت رفتاری با قواعد قدرت و مشروعیت به‌عنوان سوگیری آگاهانه نسبت به قواعد الزام آور» (Stryker, 1994: 85).

عناصر عمده مشروعیت در حالت نخست (تأیید گرایشی قواعد) «تأیید حقانیت^۱ قواعد قدرت»، «تعلق سیاسی^۲» و «تعهد سیاسی^۳» هستند و مکا نیسم عمده مشروعیت نیز، مکانیسم هنجاری است. در حالت دوم (موافقت رفتاری با قواعد) عنصر اصلی مشروعیت، «نفع عمومی» قواعد و مکانیسم عمده مشروعیت نیز مکانیسم ابزاری است. در حالت سوم (سوگیری آگاهانه نسبت به قواعد الزام آور)، عنصر اصلی مشروعیت، «آگاهی از الزام و ضمانت اجراء قانونی» است و مکانیسم عمده مشروعیت نیز مکانیسم قانونی است. در مقاله حاضر با تأکید بر رویکرد نخست و با در نظر گرفتن، قانون اساسی به‌عنوان قواعد اساسی قدرت، تعریف ذیل برای مشروعیت سیاسی منظور شده است:

«مشروعیت سیاسی دارای چهار عنصر اساسی است که عبارتند از تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت و تأیید نفع عمومی قواعد قانونی. یک نظام سیاسی به میزانی مشروعیت دارد که اکثریت شهروندان آن: ۱) علاقه و دل‌بستگی خود را نسبت به نظام سیاسی ابراز دارند؛ ۲) نسبت به سرنوشت نظام سیاسی، احساس مسئولیت نمایند؛ ۳) حقانیت قواعد قانونی را مورد تصدیق قرار دهند و ۴) نفع عمومی قواعد قانونی را مورد تأیید قرار دهند.»

-
1. Rightness
 2. Political loyalty
 3. Political commitment

فرضیه اساسی

فرضیه و ادعای محوری مقاله حاضر این است: «با بهبود احساس برابری سیاسی در ابعاد چهارگانه توزیعی، قانونی، فرصتی و مشارکتی، عقیده به مشروعیت سیاسی دولت در ابعاد چهارگانه یعنی تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، باور به حقانیت قواعد و تایید نفع عمومی قواعد بهبود می‌یابد.»

روش تحقیق

تعریف عملیاتی متغیرها: مفهوم احساس برابری سیاسی به حسب تعریف عملیاتی عناصر چهارگانه آن با استفاده از ۱۲ گویه که ۶ گویه آن مثبت (گویه‌هایی که موافقت با آن‌ها حاکی از احساس برابری است) و ۶ گویه آن منفی (گویه‌هایی که موافقت با آن‌ها نشانه احساس نابرابری است) به شرحی که در جدول ۱ آمده، مورد سنجش قرار گرفته است. گویه‌های منفی در جدول مذکور با علامت ستاره در اولین ستون مشخص گردیده‌اند. در جدول مذکور گویه‌های ۲، ۵ و ۱۲ برای سنجش «برابری توزیعی»، گویه‌های ۱، ۴، ۶ برای سنجش «برابری قانونی»، گویه‌های ۳، ۱۰ و ۱۲ برای سنجش «برابری فرصتی» و گویه‌های ۷، ۸ و ۹ برای سنجش «برابری مشارکتی» منظور گردیده است.

مفهوم مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به حسب تعریف عملیاتی عناصر چهارگانه آن، با استفاده از ۱۳ گویه که ۷ گویه آن مثبت (گویه‌هایی که موافقت با آن‌ها نشانه موافقت با قواعد اساسی نظام سیاسی تلقی می‌شود و ۶ گویه آن منفی (گویه‌هایی که موافقت با آن‌ها نشانه مخالفت با قواعد اساسی نظام سیاسی تلقی می‌شود)، مورد سنجش قرار گرفته است.^۱

۱. تعریف عملیاتی این مفهوم به طور مفصل در مقاله‌ای با عنوان «تاملی مساله گرا در نتایج سنجش مشروعیت دولت در سه شهر تهران، مشهد و یزد» آمده است (یوسفی، ۱۳۸۲).

به حسب اعتباریابی^۱ اولیه، ضریب اعتبار ملاک مقیاس برابری سیاسی ۰/۶۴ و ضریب روایی^۲ مقیاس مذکور در مرحله نهایی تحقیق ۰/۸۱ بوده است. اعتباریابی مشابهی نیز بر روی مقیاس مشروعیت سیاسی انجام گرفته که به حسب آن، ضریب اعتبار ملاک مقیاس کلی مشروعیت، معادل ۰/۹۲ و ضریب روایی آن که براساس داده‌های نهایی محاسبه گردیده، ۰/۸۷ بوده است (یوسفی، ۱۳۸۲).

روش نمونه گیری و ویژگی‌های جمعیتی نمونه: جمعیت تحقیق حاضر، افراد ۱۶ ساله و بالاتر ساکن در سه شهر تهران، مشهد و یزد هستند که به روش نمونه‌گیری دومرحله‌ای و به صورت تصادفی برگزیده شده‌اند. در این پیمایش که در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته، با ۱۰۶۱ نفر مصاحبه حضوری انجام گرفته است. تعداد پاسخگویان به ترتیب در تهران ۴۳۹ نفر، در مشهد ۳۴۶ نفر و در یزد ۲۷۶ نفر بوده است. از این تعداد ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۱/۶ سال و میانگین تحصیلی آنان دوره متوسط بوده است. بعلاوه ۴۰/۵ درصد پاسخگویان شاغل، ۷/۵ درصد بیکار، ۲۷/۷ درصد خانه‌دار، ۳/۸ درصد بازنشسته و ۲۰/۶ درصد از آنان محصل و دانشجو بوده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها: در توصیف برابری سیاسی از فراوانی نسبی داده‌ها و آماره‌های میانگین، انحراف معیار و چارک و برای آزمون فرضیه اساسی، یعنی رابطه برابری سیاسی و مشروعیت سیاسی، از روش «تحلیل همبستگی متعارف»^۳ استفاده شده که ذیلاً دلایل و چگونگی استفاده از این روش توضیح داده می‌شود:

در یک ارزیابی مقدماتی، صحت و سقم تجربی فرضیه تحقیق را می‌توان با محاسبه ضریب همبستگی ساده (r) بین دو متغیر برابری سیاسی (X) و مشروعیت سیاسی (Y) مشخص نمود. چنانچه این ضریب مثبت و معنادار بود، فرضیه مذکور را می‌توان حمل بر صحت نمود. لکن ارزیابی فرضیه مذکور مستلزم تأمل بیشتری است و با محاسبه ضریب ساده همبستگی دو متغیر، به درستی نمی‌توان صحت و سقم آنرا تعیین نمود. به دلیل این که

1. Validation
2. Reliability
3. Canonical correlation analysis

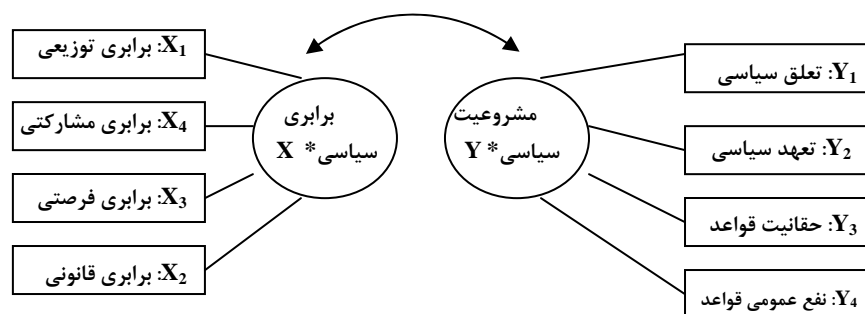
اولاً هریک از دو متغیر برابری و مشروعیت سیاسی، خود تابعی از چهار متغیر فرعی به حساب می‌آیند و در ثانی در بین اجزاء تشکیل دهنده هریک از دو متغیر، همبستگی درونی یا اشتراک معنا وجود دارد. لذا خیلی دقیق‌تر خواهد بود که به جای تحلیل همبستگی ساده دو متغیر مذکور، با استفاده از روش تحلیل همبستگی متعارف، همبستگی بین دو مجموعه یا دو ترکیب خطی از آنها (ρ) به شرح نمادین ذیل محاسبه گردد:

$$X^* = a_1X_1 + a_2X_2 + a_3X_3 + a_4X_4$$

$$Y^* = b_1Y_1 + b_2Y_2 + b_3Y_3 + b_4Y_4$$

بدین ترتیب از هریک از دو تابع مذکور، چهار تابع فرعی و در مجموع هشت تابع (X^*_1 تا X^*_4 و Y^*_1 تا Y^*_4) استخراج می‌شود که تحلیل همبستگی چهار زوج از توابع فرعی، یعنی (X^*_1 و Y^*_1)، (X^*_2 و Y^*_2)، (X^*_3 و Y^*_3) و (X^*_4 و Y^*_4) منبای تحلیل همبستگی دو تابع اصلی یعنی X^* و Y^* قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در تحلیل همبستگی متعارف، روابط متغیرهای X^* ، Y^* با کنترل روابط درونی زیر مجموعه‌های آنها، مورد محاسبه قرار می‌گیرد (Tacq, 1997, 326).

شکل ۱. نمودار علی برابری سیاسی و مشروعیت سیاسی



بدین ترتیب، رابطه علی دو مجموعه متغیر برابری سیاسی (X^*) و مشروعیت سیاسی (Y^*) (فرضیه تحقیق) مطابق با الگوی مندرج در شکل ۱ و با استفاده از روش تحلیل همبستگی متعارف تحلیل خواهد گردید. این تحلیل با تکیه بر سه نوع خروجی شامل «ضریب همبستگی متعارف بین دو متغیری که حداکثر رابطه را با یکدیگر دارند، آزمون

معناداری مربوط به همبستگی متعارف و ضرایب همبستگی ساختاری در دو مجموعه متغیرهای Y^* , X^* صورت خواهد گرفت.^۱

نتایج سنجش متغیرها

در تشریح نتایج سنجش احساس برابری سیاسی ابتدا دلالت‌های جزئی برابری (نتایج به تفکیک گویه‌ها) و سپس دلالت‌های کلی برابری (نتایج ترکیبی گویه‌ها) تشریح می‌گردد. آنگاه سه شهر مورد بررسی از لحاظ برخی از آماره‌های برابری سیاسی با یکدیگر مقایسه خواهند شد. برای سهولت نتیجه‌گیری، مقیاس ۵ قسمتی برابری سیاسی به مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تبدیل شده و کلیه آماره‌ها بر مبنای مقیاس مذکور محاسبه گردیده است.

توصیف اجزاء برابری سیاسی: نتایج سنجش احساس برابری سیاسی به تفکیک ۱۲ گویه‌ای که برای سنجش آن منظور شده، در جدول ۱ منعکس گردیده است. در جدول مذکور، فراوانی نسبی پاسخ‌ها، میانگین و انحراف مربوط به هر گویه، ارزیابی پاسخگویان را از تساوی طلبی دولت جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. دلالت‌های عمده احساس برابری در جدول مذکور به شرح ذیل است:

- ناچیز بودن نرخ اجتناب از پاسخ (کمتر از ۲ درصد) در مورد همه گویه‌های برابری سیاسی، حاکی از این معناست که اولاً نشانه‌های مثبت یا منفی برابری سیاسی کاملاً در معرض فهم و تجربه عمومی قرار گرفته و ثانياً نگرانی ناشی از آشکار شدن عقیده سیاسی در این باره، کاهش پیدا کرده است.

- درصد پاسخ‌های «مردد» نشان می‌دهد، کمترین تردید (۱۲/۲ درصد) مربوط به «پارتنری بازی» یا «نقض برابری قانونی» (گویه ۴) و در مقابل، بیشترین تردید (۲۳/۵ درصد) مربوط به «سلب آزادی شهروندان» توسط حکومت (گویه ۱۱) است.

۱. این محاسبات با استفاده از نرم‌افزار Spss و در زیربرنامه MANOVA (تحلیل واریانس چندگانه و کواریانس) انجام می‌گیرد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی اجزاء برابری سیاسی (۱۰۶۱ = تعداد پاسخگو)

ردیف	گویه های برابری سیاسی	تعداد پاسخ معتبر	میزان موافقت (درصد نسبی)						
			کاملاً مخالف	مخالف	بی‌طرف	موافق	کاملاً موافق	میانگین	
*۱	اگر حقی از کسی ضایع شود، فکر نمی‌کنم از طریق قانونی بتواند به حق خود برسد.	۱۰۵۶	۵/۵	۲۶/۰	۱۸/۶	۳۷/۸	۱۲/۱	۵۶/۳	۲۸/۳
*۲	در شرایط فعلی، حکومت به همه مردم (شهروندان)، با یک چشم نگاه نمی‌کند.	۱۰۴۷	۳/۶	۱۹/۲	۱۳/۰	۴۹/۶	۱۴/۶	۶۳/۱	۲۶/۷
۳	امروزه، بیشتر مسئولیت‌ها و مشاغل مهم دولتی، براساس صلاحیت و شایستگی به افراد سپرده می‌شوند.	۱۰۴۶	۹/۸	۳۰/۰	۲۰/۷	۳۴/۶	۴/۹	۴۸/۷	۲۷/۷
*۴	در شرایط فعلی هر کس پول و پارتی نداشته باشد، حقش پایمال می‌شود.	۱۰۵۸	۲/۷	۱۰/۵	۱۲/۲	۳۷/۷	۳۶/۹	۷۳/۹	۲۶/۹
۵	در جامعه امروز ما، مردم می‌توانند بدون نگرانی، از حکومت جمهوری اسلامی انتقاد کنند.	۱۰۴۶	۱۱/۸	۳۴/۵	۱۹/۸	۳۰/۰	۳/۹	۴۴/۹	۲۷/۷
۶	در شرایط فعلی، قانون درباره همه افراد به‌طور یکسان اجرا می‌شود.	۱۰۴۵	۱۶/۷	۴۲/۹	۱۶/۵	۲۰/۷	۳/۳	۳۷/۷	۲۷/۳
۷	در شرایط فعلی، حکومت جمهوری اسلامی، بیش از هر زمانی به رأی و نظر مردم اهمیت می‌دهد.	۱۰۵۳	۷/۵	۲۰/۵	۲۰/۱	۴۴/۰	۷/۹	۵۶/۰	۲۷/۴
*۸	امروزه مردم، علاقه و انگیزه چندانی برای همکاری با حکومت جمهوری اسلامی ندارند.	۱۰۴۵	۷/۵	۳۴/۳	۱۹/۷	۲۹/۵	۹/۱	۴۹/۶	۲۸/۵
۹	امروزه مردم احساس می‌کنند، رأی آنها بیش از هر زمان دیگری مؤثر واقع می‌شود.	۱۰۴۹	۵/۴	۲۰/۵	۱۵/۰	۵۰/۴	۱۰/۰	۶۰/۴	۲۶/۲
۱۰	در شرایط فعلی، هر فردی تجربه و تخصص بیشتری داشته باشد، شانس بیشتری برای پیشرفت دارد.	۱۰۵۲	۵/۴	۱۸/۵	۱۵/۹	۴۶/۹	۱۳/۳	۶۱/۰	۲۷/۵
*۱۱	در شرایط فعلی، حکومت جمهوری اسلامی، این حق را به مردم نمی‌دهد که آزادانه برای خود تصمیم بگیرند.	۱۰۴۹	۴/۸	۳۳/۱	۲۳/۵	۲۹/۶	۹/۱	۵۱/۳	۲۷/۱
*۱۲	واگذاری مسئولیت‌های دولتی، بیشتر براساس رابطه است نه ضابطه.	۱۰۴۳	۲/۴	۱۲/۸	۱۳/۹	۴۲/۸	۲۸/۱	۷۰/۳	۲۶/۴

آماره‌ها به حسب مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه شده است. در این حالت، «کاملاً مخالف» معادل ۰، «مخالف» معادل ۲۵، «مردد» معادل ۵۰، «موافق» معادل ۷۵ و «کاملاً موافق» معادل ۱۰۰ تلقی شده است. در ستون ردیف، گویه‌های منفی با علامت ستاره مشخص شده‌اند. در گویه های ستاره‌دار، پاسخ موافق حاکی از احساس نابرابری سیاسی تلقی می‌شود.

- پاسخ‌های «کاملاً موافق» در مورد گویه‌های منفی و پاسخ‌های «کاملاً مخالف» با گویه‌های مثبت، که حاکی از «احساس کاملاً منفی» پاسخگویان نسبت به نشانه‌های نابرابری سیاسی در جامعه است، به روشنی نشان می‌دهد، منفی‌ترین احساس مربوط به پارتی‌بازی یا نقض برابری قانونی است (گویه ۴). همین معنا از واکنش پاسخگویان به گویه ۶ (برابری در اجرای قانون) نیز حاصل می‌شود. صحنه گذاردن بر وجود پارتی‌بازی و تصدیق نکردن برابری در اجرای قانون، به روشنی حامل این معناست که پاسخگویان نسبت به ظرفیت اجرای حکومت در ایجاد برابری قانونی بدبین هستند. از مقایسه میانگین نظرات پاسخگویان نیز این معنا، کم و بیش حاصل می‌شود.

- مقایسه میانگین پاسخ‌ها نیز حاکی از این معناست که ارزیابی پاسخگویان از مساوات‌طلبی حکومت، در اغلب موارد (۸ مورد از ۱۲ مورد) منفی است. یعنی احساس نابرابری بر احساس برابری غلبه دارد. به‌طور کلی موافقت با گویه‌های منفی که متضمن نفی مساوات‌طلبی حکومت است، بیش از گویه‌های مثبت است و پاسخگویان وجوه غیرمساوات‌طلبانه حکومت را برجسته‌تر از وجوه مساوات‌طلب آن می‌بینند.

- انحراف معیار یا پراکندگی نظرات پاسخگویان نیز در مورد همه گویه‌ها یا نشانه‌های برابری سیاسی، کم و بیش یکسان است.

توصیف ابعاد برابری سیاسی: هر یک از گویه‌های برابری سیاسی دلالت بر یکی از عناصر یا ابعاد چهارگانه این مفهوم دارند و تبعاً هر بعد از برابری سیاسی از ترکیب گویه‌های مربوط و مفهوم کلی برابری سیاسی نیز از ترکیب ابعاد چهارگانه شکل می‌گیرد. برای این منظور، قبل از ترکیب و ادغام گویه‌ها، ابتدا گویه‌های منفی با گویه‌های مثبت هم‌جهت شده‌اند بدین معنا که مخالفت با گویه‌های منفی به معنای موافقت با گویه‌های مثبت تلقی شده است. این ترکیب به تفکیک عناصر چهارگانه و همچنین شاخص کلی برابری سیاسی انجام گرفته و نتایج آن در جدول ۲ منعکس گردیده است.

نتایج حاصله، دلالت‌های کلی برابری سیاسی را در بین پاسخگویان به روشنی نشان می‌دهد که ذیلاً به نکات برجسته آن اشاره می‌گردد.

- چارک اول، دوم و سوم، حداکثر نمره احساس برابری را به ترتیب در بین ۲۵، ۵۰ و ۷۵ درصد پاسخگویان نشان می‌دهد. در هر سه چارک، کمترین نمرات مربوط به احساس برابری قانونی و بیشترین نمرات مربوط به احساس برابری مشارکتی است. به حسب مقادیر چارک سوم که بازگوکننده حداکثر احساس برابری در بین اکثریت پاسخگویان است، حداکثر نمره احساس برابری توزیعی، ۵۸/۳، برابری قانونی، ۵۰، برابری فرصتی ۵۸/۳ و برابری مشارکتی ۷۵ است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی ابعاد برابری سیاسی (تعداد پاسخگو=۱۰۶۱)

انحراف معیار	میانگین	چارک سوم	چارک دوم	چارک اول	برابری سیاسی
۱۹/۴	۴۳/۵	۵۸/۳	۴۱/۷	۳۳/۳	برابری توزیعی
۱۹/۳	۳۵/۹	۵۰/۰	۳۳/۳	۲۵/۰	برابری قانونی
۱۹/۷	۴۶/۵	۵۸/۳	۵۰/۰	۳۳/۳	برابری فرصتی
۲۰/۴	۵۵/۶	۷۵/۰	۵۸/۳	۴۱/۷	برابری مشارکتی
۱۵/۴	۴۵/۴	۵۶/۳	۴۵/۸	۳۵/۴	شاخص کل

چون تعداد پاسخ‌های ناقص در مجموع گویه‌ها کمتر از ۵ درصد بوده، در محاسبه شاخص‌های ترکیبی «برابری سیاسی»، میانگین گویه به جای داده ناقص قرارداد شده است. لذا تعداد پاسخ معتبر در همه موارد برابر تعداد کل پاسخگویان (۱۰۶۱ نفر) منظور شده است.

- میانگین احساس برابری سیاسی در ابعاد توزیعی، قانونی و فرصتی، کمتر از حد متوسط (۵۰) و در بعد مشارکتی بالاتر از حد متوسط (۵۵/۶) است. در مقایسه، منفی‌ترین احساس یا احساس نابرابری، مربوط به برابری قانونی (۳۵/۹) است که به نحوه اجرای قانون در کشور مربوط می‌گردد. به علاوه میانگین کل احساس برابری سیاسی نیز کمتر از حد متوسط (۴۵/۴) و منفی است!

۱. در مورد مشروعیت سیاسی، میانگین کلی عقیده به مشروعیت دولت ۵۳/۸ است که این میانگین به تفکیک ابعاد چهارگانه مشروعیت یعنی تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تایید حقانیت قانون اساسی و تایید نفع عمومی قانون اساسی به ترتیب عبارتند از: ۴۹/۲، ۶۲/۲، ۶۲/۲ و ۴۳/۲ (یوسفی، ۱۳۸۲).

- انحراف معیار، شاخص پراکندگی و اختلاف نظر است. این مقادیر نشان می‌دهد، اختلاف نظر پاسخگویان در ارزیابی مساوات‌طلبی حکومت در ابعاد چهارگانه و در کل پائین است.

جدول ۳. همبستگی ابعاد چهارگانه برابری سیاسی (تعداد پاسخگو ۱۰۶۱)

برابری مشارکتی	برابری توزیعی	برابری قانونی	برابری فرصتی	برابری مشارکتی
۰/۴۹۷	۰/۴۴۰	۰/۵۰۳		برابری توزیعی
۰/۴۵۳	۰/۴۷۹			برابری قانونی
۰/۴۶۵				برابری فرصتی
				برابری مشارکتی

روابط متقابل ابعاد برابری سیاسی: عناصر یا ابعاد منظور شده در تعریف مفهومی «برابری سیاسی»، به لحاظ تحلیلی از هم متمایز هستند. لکن در عمل با هم ظاهر می‌شوند و کل واحدی را تشکیل می‌دهند. این معنا علاوه بر این که در ضریب روایی مقیاس برابری سیاسی ($\chi = .۸۱$)، خود را نشان داده است، به حسب همبستگی آماری (r) بین چهار بعد تحلیلی برابری نیز تایید گردیده است. نتایج این محاسبه در جدول ۳ منعکس گردیده و نشان می‌دهد که:

- همبستگی دوجانبه ابعاد چهارگانه برابری سیاسی، مثبت و از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست و این بدان معناست که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، ابعاد مذکور یکدیگر را تقویت می‌کنند. اگر چه مقدار همبستگی دوجانبه در بین هر چهار بعد عدالت سیاسی بالاست، لکن در این میان، همبستگی متقابل برابری قانونی و توزیعی ($۰/۵۰۳$) بیشتر از سایر ابعاد است. همبستگی مذکور متضمن این معناست که با تقویت باور افراد به رعایت اصل مساوات قانونی توسط حکومت، باور آن‌ها به تأمین حقوق شهروندی توسط حکومت نیز تقویت می‌شود و بالعکس.^۱

۱. در مورد مشروعیت سیاسی نیز همین معنا صادق است، یعنی ابعاد چهارگانه مشروعیت سیاسی یکدیگر را تقویت می‌کنند و روابط دوجانبه آن‌ها از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست. بالاترین همبستگی

مقایسه برابری سیاسی در سه شهر تهران، مشهد و یزد

همان‌طور که اشاره گردید، نتایج بدست آمده حاصل تحقیقی پیمایشی است که در سه شهر تهران، مشهد و یزد انجام گرفته است. بامقایسه سه شهر مذکور، تفاوت یا شباهت آن‌ها از لحاظ احساس برابری سیاسی آشکار می‌گردد. بدین منظور ابتدا شهرهای مذکور از لحاظ چارک سوم، میانگین و پراکندگی احساس برابری سیاسی به‌طور ساده و شهودی با یکدیگر مقایسه می‌شوند. سپس با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها (آزمون شفیه)، تفاوت میانگین آن‌ها از لحاظ آماری ارزیابی می‌گردد. در این ارزیابی، شهرهایی که تفاوت میانگین آن‌ها در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست، به‌عنوان شهرهای متجانس^۲ در یک گروه قرار می‌گیرند. برای مبنای چنانچه سه شهر مورد بررسی تفاوتی با هم نداشته باشند در یک گروه متجانس قرار می‌گیرند و چنانچه تفاوت میان هر سه شهر، معنادار باشد، هر شهر در یک گروه جداگانه قرار می‌گیرد. حالت سوم این است که تنها دو شهر با هم متجانس باشند که در این صورت، دو شهر در یک گروه و شهر سوم در گروه جداگانه قرار می‌گیرد. این نتایج در جدول ۴ منعکس گردیده است. در جدول مذکور شهرهای متجانس با علامت ستاره (*) در ستون مربوطه مشخص گردیده‌اند. با این توضیح، ذیلاً به نکات برجسته جدول ۴ اشاره می‌گردد.

- اندازه چارک سوم که حاکی از حداکثر نمره در بین اکثریت (۷۵ درصد) پاسخگویان است، نشان می‌دهد، در هر سه شهر تهران، مشهد و یزد و در کل، نمره مربوط به برابری قانونی کمتر و نمره مربوط به برابری مشارکتی بیشتر از سایر ابعاد است. همین معنا از مقایسه میانگین‌ها نیز حاصل می‌شود. چنان‌که میانگین احساس برابری قانونی در هر شهر پائین‌تر از سایر ابعاد و میانگین احساس برابری مشارکتی بالاتر از سایر ابعاد است.

دوجانبه (۰/۶۵) مربوط به دو بعد «تعهد سیاسی» و «تایید حقانیت قواعد» است و پایین‌ترین همبستگی دوجانبه (۰/۴۱) مربوط به دو بعد «تعهد سیاسی» و «تایید نفع عمومی قواعد» است؛ با این حال همبستگی مذکور نیز مثبت و کاملاً معنادار است (یوسفی، ۱۳۸۲).

1. Scheffe Test
2. Homogeneous

برابری سیاسی و رابطه آن با مشروعیت دولت

جدول ۴. آماره‌های برابری سیاسی در سه شهر تهران، مشهد و یزد^۱

مجموعه شهرهای متجانس			آماره‌ها			محل سکونت		
(۳)	(۲)	(۱)	انحراف معیار	میانگین	چارک سوم			
		*	۱۸/۱	۳۹/۸	۵۰/۰	تهران	برابری توزیعی	ابعاد برابری سیاسی
	*		۲۱/۵	۴۴/۲	۵۸/۳	مشهد		
*			۱۷/۴	۴۸/۷	۵۸/۳	یزد		
		*	۱۸/۷	۳۴/۱	۵۰/۰	تهران	برابری قانونی	
	*	*	۲۱/۰	۳۶/۵	۵۰/۰	مشهد		
	*		۱۸/۰	۳۷/۹	۵۰/۰	یزد		
		*	۱۷/۴	۴۲/۶	۵۸/۳	تهران	برابری فرصتی	
	*		۲۲/۰	۴۸/۶	۶۶/۷	مشهد		
	*		۱۹/۱	۵۰/۰	۵۸/۳	یزد		
		*	۱۹/۹	۵۷/۹	۶۶/۷	تهران	برابری مشارکتی	
	*		۱۸/۲	۶۰/۶	۷۵/۰	مشهد		
	*		۱۸/۲	۶۰/۶	۷۵/۰	یزد		
		*	۱۴/۲	۴۱/۸	۵۰/۰	تهران	برابری سیاسی (شاخص کلی)	
	*		۱۶/۷	۴۶/۸	۵۸/۳	مشهد		
	*		۱۴/۲	۴۹/۳	۵۸/۳	یزد		

- در هر سه شهر مورد بررسی، میانگین احساس برابری در سه بعد توزیعی، قانونی و فرصتی و همچنین میانگین کل احساس برابری سیاسی کمتر از حد متوسط (۵۰) است که حاکی از غلبه احساس منفی یا نابرابری سیاسی در این شهرهاست.

۱. تعداد پاسخ معتبر در مورد همه متغیرهای جدول حاضر، در تهران ۴۳۹، در مشهد ۳۹۶، و در یزد ۲۷۶ نفر هستند.

- میانگین احساس برابری سیاسی در هر چهار بعد و درکل، در یزد بیشتر از مشهد و در مشهد بیشتر از تهران است. لکن اختلاف نظر یا پراکندگی نظرات پاسخگویان در ارزیابی مساوات طلبی حکومت در ابعاد مختلف و در کل، در مشهد بیشتر از تهران و یزد است.

- تفاوت میانگین احساس برابری توزیعی (باور به رعایت حقوق شهروندی توسط حکومت) در سه شهر تهران، مشهد و یزد از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست و از لحاظ این صفت، سه شهر مذکور کاملاً از هم متمایز هستند.

- میانگین احساس برابری سیاسی در ابعاد چهارگانه و در کل در تهران، تفاوت کاملاً معناداری با یزد و مشهد دارد. این در حالی است که تفاوت احساس برابری به غیر از بعد توزیعی، بین یزد و مشهد از لحاظ آماری قابل اعتنا نیست.

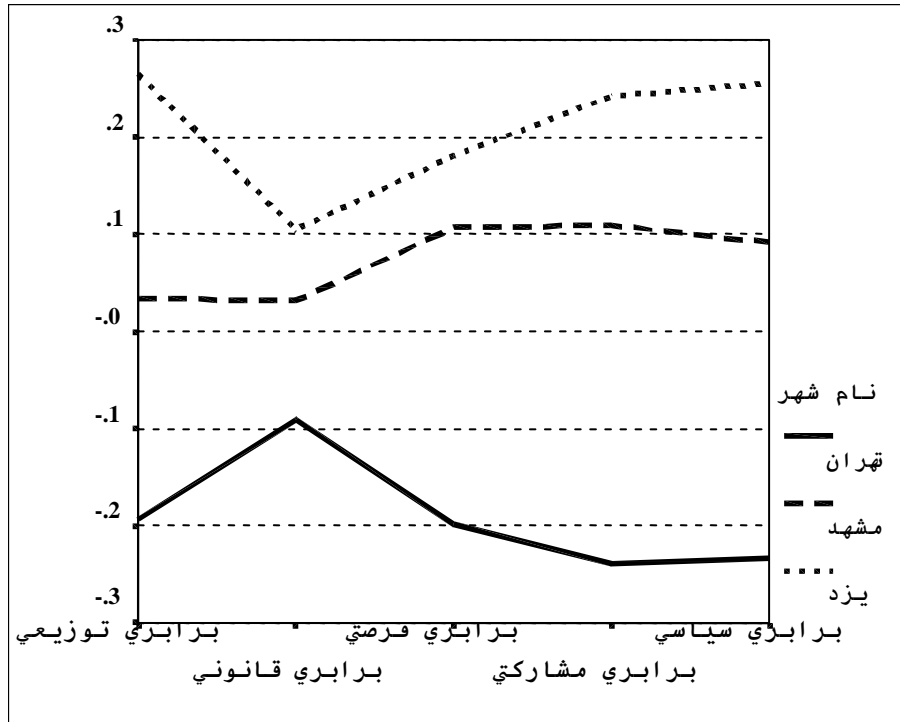
برای شفاف کردن نتایج قبلی، نیمرخ سه شهر تهران، مشهد و یزد بر روی هریک از ابعاد چهارگانه برابری سیاسی در شکل ۲ نمایش داده شده است. برای این منظور، ابتدا متغیرهای مورد مقایسه، استاندارد (Z) شده‌اند.^۱ در حالت استاندارد، میانگین متغیر برابر ۰ شده و مبدأ مقایسه قرار می‌گیرد و فاصله از میانگین به حسب انحراف معیار محاسبه می‌شود. بر روی محور عمودی نقطه ۰ نشان‌دهنده میانگین کل است که با یک خط نقطه چین محور عمودی را به دو نیمه مساوی تقسیم کرده است. بر روی محور عمودی اندازه‌های بیشتر از میانگین با عدد مثبت (+) و کمتر از میانگین با عدد منفی (-) مشخص گردیده است. منحنی‌ها نیز وضعیت هر یک از سه شهر تهران، مشهد و یزد را بر روی متغیرهای مربوطه مشخص می‌کنند.

مقایسه منحنی‌ها در شکل مذکور به روشنی نشان می‌دهد، در تهران، میانگین احساس برابری سیاسی در هر چهار بعد و در کل پائین تر و در دو شهر مشهد و یزد بالاتر از میانگین کل (۰) قرار می‌گیرد. به علاوه، یزد نسبت به مشهد در فاصله بیشتری از میانگین

۱. هر متغیر پس از استاندارد شدن در عدد ۱۰ ضرب و حاصل آن با عدد ۵۰ جمع شده است.

کل قرار می‌گیرد و به عبارت دیگر احساس برابری سیاسی در هر چهار بعد در کل در یزد بهبود یافته‌تر از مشهد و تهران است.

شکل ۲. نیمرخ تهران، مشهد و یزد بر روی ابعاد چهارگانه برابری سیاسی



تحلیل رابطه برابری و مشروعیت سیاسی

فرضیه اساسی این است که «با بهبود احساس برابری سیاسی در ابعاد چهارگانه توزیعی، فرصتی، قانونی و مشارکتی، عقیده به مشروعیت دولت نیز در ابعاد چهارگانه آن، یعنی تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت قواعد قانونی و تصدیق نفع عمومی قواعد قانونی بهبود می‌یابد.»

تحلیل همبستگی متعارف بین دو مجموعه متغیر مذکور (برابری سیاسی X^* و مشروعیت سیاسی Y^*) با تکیه بر سه نوع خروجی شامل «ضریب همبستگی متعارف، ضریب همبستگی ساختاری و همچنین آزمون معناداری مربوط (آزمون ویلکس)»، انجام گرفته که نتایج آن مطابق با الگوی علی متغیرها (شکل ۱) در شکل ۳ نشان داده شده و اینک به مهمترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

- در بین چهار زوج متغیر متعارف، بالاترین همبستگی متعارف ($\rho = 0/70$) مربوط به زوج نخست (Y^*, X^*) است. براساس یافته مذکور می‌توان گفت که بین متغیرهای برابری سیاسی (X) و مشروعیت سیاسی (Y)، $0/70$ همبستگی وجود دارد. با مجذور کردن ضریب مذکور، این معنا حاصل می‌شود که $0/49$ درصد از تغییرات مشروعیت سیاسی توسط برابری سیاسی تعیین می‌شود. به تعبیر دیگر، با آگاهی از میزان تغییر (افزایش یا کاهش) در برابری سیاسی، 49 درصد از تغییرات مشروعیت سیاسی، قابل پیش‌بینی است.^۱

- براساس آزمون ویلکس^۲ رابطه بین دو متغیر برابری سیاسی و مشروعیت سیاسی ($\rho = 0/70$) از لحاظ آماری کاملاً معنادار و قابل اعتناست ($\text{Sig} = /000$) و این نتیجه را می‌توان به سطح جامعه آماری (افراد ۱۵ ساله و بالاتر در سه شهر تهران، مشهد و یزد) تعمیم داد.

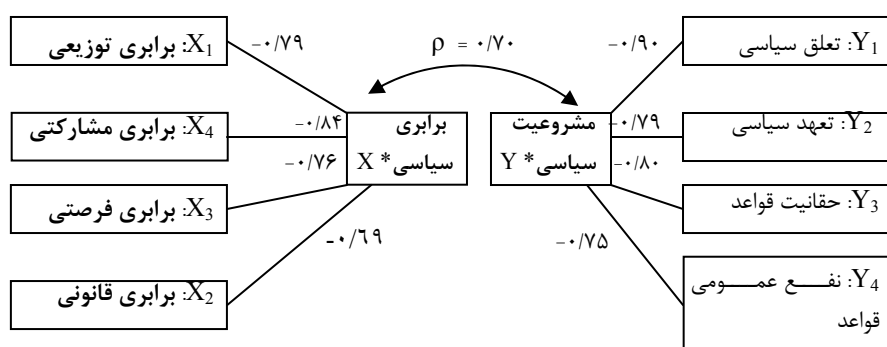
- به حسب میزان همبستگی متغیرهای اصلی با متغیرهای متعارف (همبستگی‌های ساختاری) این معنا حاصل می‌شود که در مجموعه متغیرهای برابری سیاسی مهمترین متغیرها به ترتیب اهمیتی که در تشکیل مفهوم کلی برابری سیاسی (X_1^*) دارند، عبارتند از: برابری مشارکتی ($-0/84$)، برابری توزیعی ($-0/79$)، برابری فرصتی ($-0/76$) و برابری قانونی ($-0/69$). در مجموعه متغیرهای مشروعیت سیاسی نیز مهمترین متغیرها به ترتیب

۱. اگرچه به حسب فرضیه تحقیق، همبستگی متعارف (ρ) دو متغیر برابری و مشروعیت سیاسی به‌عنوان یک رابطه علی و یک طرفه تفسیر گردید، لکن همبستگی مذکور را می‌توان به‌عنوان رابطه دو طرفه نیز تفسیر نمود. در این صورت می‌توان گفت رابطه متقابل دو متغیر برابری و مشروعیت سیاسی $0/70$ است و هر یک از دو متغیر، 49 درصد از تغییرات دیگری را سبب می‌شود (Taqe, 1997).

2. Wilks

عبارتند از: تعلق سیاسی ($-0/90$)، تأیید حقانیت قواعد ($-0/80$)، تعهد سیاسی ($-0/79$) و تأیید نفع عمومی قواعد ($-0/75$). به علاوه از ضرایب مذکور این نتیجه نیز حاصل می شود که در هر مجموعه (X و Y)، متغیرهایی که همبستگی بالاتری با متغیر متعارف مربوطه دارند، همبستگی بیشتری نیز با مجموعه مقابل خود دارند. بر این مبنا، متغیرهای برابری سیاسی (متغیرهای مستقل) از جهت میزان رابطه ای که با متغیرهای مشروعیت سیاسی (متغیرهای وابسته) دارند، به ترتیب عبارتند از: برابری مشارکتی، برابری توزیعی، برابری فرصتی و برابری قانونی.

شکل ۳. همبستگی متعارف و ساختاری دو مجموعه متغیر برابری سیاسی و مشروعیت سیاسی



خلاصه و نتیجه گیری

نتایج سنجش احساس برابری سیاسی نشان داد، احساس برابری در ابعاد توزیعی، قانونی و فرصتی در بین پاسخگویان منفی و در بعد مشارکتی مثبت است و اکثریت پاسخگویان نیز در ارزیابی مساوات طلبی حکومت، نزدیک به هم فکر می کنند. با این حال در بین چهار بعد برابری سیاسی، منفی ترین احساس در بعد برابری قانونی ابراز گردیده که به نحوه اجرای قانون در کشور مربوط می گردد. به علاوه، میانگین کلی احساس برابری سیاسی نیز کمتر از حد متوسط و منفی است. میانگین احساس برابری سیاسی در ابعاد چهارگانه آن،

در تهران کمتر از حد متوسط و منفی است. علاوه بر این، در تهران میانگین احساس برابری سیاسی در ابعاد چهارگانه کمتر از مشهد و در مشهد کمتر از یزد است. در بعد عدالت توزیعی، تفاوت میانگین‌ها در سه شهر مذکور، معنادار و قابل اعتناست. تفاوت دوشهر مشهد و یزد، در سایر ابعاد قابل اعتنا نیست.

در تحلیل رابطه برابری و مشروعیت سیاسی این نکته مورد توجه قرار گرفت که هم بین متغیرهایی که برابری سیاسی را می‌سازند، همبستگی وجود دارد و هم در بین متغیرهایی که مشروعیت سیاسی را می‌سازند. دو متغیر مذکور از زیرمجموعه خود تبعیت می‌کنند. بدین جهت، به جای تحلیل ساده همبستگی (I)، همبستگی بین دو مجموعه یا دو ترکیب خطی آن‌ها (p) مورد توجه قرار گرفت تا اثرات تداخلی این دو مجموعه متغیر به حداقل برسد. نتایج این تحلیل نشان داد که اولاً بین دو متغیر برابری سیاسی و مشروعیت سیاسی همبستگی بالایی ($\rho = 0.70$) وجود دارد و این رابطه نیز از لحاظ آماری کاملاً معنادار است. ثانياً در بین چهار متغیری که مفهوم کلی برابری سیاسی را تشکیل می‌دهند، متغیرهای برابری مشارکتی، توزیعی، فرصتی و قانونی به ترتیب بیشترین رابطه را با مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران دارند. از سوی دیگر، تحلیل مذکور نشان داد، در مجموعه متغیرهای تشکیل‌دهنده مشروعیت سیاسی، به ترتیب متغیرهای تعلق سیاسی، تأیید حقانیت قانون اساسی، تعهد سیاسی و تأیید نفع عمومی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیشترین سهم را در تشکیل مشروعیت دولت برعهده دارند. در مجموعه متغیرهای برابری سیاسی نیز این سهم به ترتیب برعهده متغیرهای برابری مشارکتی، توزیعی، فرصتی و قانونی است.

همبستگی بالا و مثبت بین برابری و مشروعیت سیاسی متضمن این معناست که پذیرش و تأیید مشروعیت دولت آن‌گاه تحقق پیدا می‌کند که به تعبیر لوسین پای (۱۹۷۱) حکومت و زمامداران آن به اصول برابری احترام بگذارند. بنا برنتایج تحلیل همبستگی متعارف، ترمیم مشروعیت دولت در ابعاد چهارگانه، یعنی تعلق سیاسی، تعهد سیاسی، تأیید حقانیت و نفع عمومی قانون اساسی، به ترتیب مستلزم ترمیم و تقویت احساس برابری مشارکتی، برابری توزیعی، برابری فرصتی و برابری قانونی است. بدیهی است در نقاطی که عقیده به

مشروعیت دولت پائین تر است، دولت برای کسب مشروعیت از دست رفته، نیاز بیشتری به ترمیم احساس برابری سیاسی دارد.

منابع

- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰) *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلمن، جیمز اس. (۱۳۸۰) «نشانگان توسعه: انفکاک ساختاری- برابری- ظرفیت»، در *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، پای لوسین و دیگران، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- همپتن، جین (۱۳۸۰) *فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- ارسطو (۱۳۸۱) *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فیتز، پاتریک تونی (۱۳۸۱) *نظریه رفاه*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات گام نو و موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)*، تهران: نشر نی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴) *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: انتشارات مولی.
- هلد، دیوید (۱۳۶۹) *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنگران.
- یوسفی، علی (۱۳۸۱) «تاملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واریسی مدل نظری مشروعیت»، *نشریه دانشور*، شماره ۳۹: ۱۳۱-۱۱۹.
- یوسفی، علی (۱۳۸۲) «تاملی مساله گرا در نتایج سنجش مشروعیت دولت در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، *نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی*، در دست چاپ.

- Beetham David (1991) *The legitimation of power (Issues in political theory)*, Macmilan, London.
- Duke, games, T. (1976) *Conflict and power in social life*, Brigham Young university press.
- Held, david (1990) *Political theory and the state modern (Essays on state, power and democracy)*, Polity press.

- Kupper, A. (1997) *The social science encyclopedia*, Routledge, London.
- Razi, Hossein (1990) "legitimacy, religion and nationalism in middle east", *American Political Science*, Vol, 84, No.1.
- Stryker, R. (1994) "Rules, resources and legitimacy processes", *American Political Science*, Vol99, No.4.
- Taq, Jacques (1997) *Multivariate analysis techniques in social science research (from problem to analysis)*, SAGE publication, London.
- Tyler, Tom, R. (1987) "procedural justice Research", *Social Justice Research*, Vol.1, No.1.
- Weatherford, M., S. (1994) "Measuring political legitimacy", *American Political Science*, Vol 86, No.1.
- Weil, D., F. (1989) "The sources and structure of legitimacy", *American journal of sociology*, Vol. 54, No.1.